

گفت‌وگوی صبا با تهیه‌کننده و کارگردان فیلم سینمایی «در آغوش درخت»

وعده‌هایی که عملی نشد!

«در آغوش درخت» با نمایش قاب‌هایی خارج از فضای تهران، در شهر ارومیه به تولید رسیده است و با خلق داستانی شاعرانه، آخرین تلاش‌های یک خانواده در آستانه فر و پاشی را به تصویر می‌کشد. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «بحران بی‌جای زندگی کیمیا و فرید که دوازده سال از ازدواجشان می‌گذرد، جهان زیبای فرزندان‌شان را بهم می‌ریزد. کودکانی که هیچ چیز جز سادگی و مهربانی را در زندگی نمی‌شناسند.»

مصطفی کزازی
گفت‌وگو

سجاد نصر الهی، تهیه‌کننده «در آغوش درخت»
فرزند در این فیلم نقش مهمی دارد

زمینه همکاری شما و کارگردان اثر چگونه شکل گرفت؟

با آقای خواجه‌پاشا در کار موقعیت مهدی آشنا شدم. من تهیه‌کننده بودم و ایشان دستیار کارگردان، ایشان دستیار آقایان مجیدی و میرکریمی هم بوده‌اند.

جذابیت فیلمنامه برای شما چه بود؟ چه چیز در فیلمنامه باعث شد تا تهیه‌کنندگی فیلم را بپذیرید؟

محوریت فیلمنامه، خانواده و نقش مؤثر فرزند در خانواده و انسجام خانواده بود. فرزند در این فیلم نقش مهمی دارد و باعث جلوگیری از فروپاشی یک خانواده می‌شود. این مسئله برای شخص من مهم هستند و برای همین جذب کار شدم و تهیه‌کنندگی آن را به عهده گرفتم.

جلسات فیلمبرداری طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته انجام شد؟

متأسفانه کار چند روز بیشتر طول کشید. دلیلش هم این بود که مادر شهرستان کاری کردیم و از تهران دور بودیم، این مسئله سختی‌های خودش را داشت و در کنار آن هم قول‌هایی که دوستی در شهرستان به ما می‌دادند یا تا تأخیر شکل می‌گرفت یا اصلاً شکل نمی‌گرفت.

اتفاق ویژه‌ای در ساخت اثر بوده که بتوانید به آن اشاره کنید؟

اتفاق خوبی که در این پروژه افتاد، حضور و همراهی سینماگرانی چون مجید مجیدی و رضا میرکریمی بود. آقای مجیدی از همان ابتدای پیش تولید در جریان کار بوده و از اینکه در این فیلم از فضای شهری و آپارتمانی فاصله گرفته شده ابراز رضایت کردند. آقای میرکریمی هم، از این پروژه بسیار خوش‌شان آمده بود و پیشنهاد دادند که به عنوان مشاور در این پروژه حضور داشته باشند و در همین راستا مشاوره‌های قابل توجهی را به ما ارائه کردند.

بودجه اثر چقدر بوده و از چه منابعی تهیه شده است؟

بودجه را اجازه بدهید بگویم، اما در مورد منابع، خیلی جاها به ما قول همکاری داده بودند که هیچ اتفاقی نیفتاد و ما بسیار اذیت شدیم؛ چون تا پایان کار کملاً با بودجه شخصی پیش رفتیم و کار را به پایان رساندیم.

از حمایت‌سازمان‌ها و نهادهایی مانند فراهی با اوج بهره‌بردارید؟

بعد از اینکه کار تمام شد سازمان سوره و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پای کار آمده‌اند و قرار است از کار حمایت کنند. برای «در آغوش درخت» چه اندازه و چه شانس‌هایی در جشنواره‌ها قائل هستید؟

نمی‌دانم، راستش را بخواهید من شخصاً دوست دارم کار تولید

شده اثری تأثیرگذار باشد و به جایزه خیلی فکر نمی‌کنم، البته منظورم این نیست که جایزه مهم نیست یا ما را خوشحال نمی‌کند؛ اما دغدغه شخصی من این نیست، به هر حال همکاران ما در این کار بسیار زحمت کشیده‌اند و اگر زحمت‌شان دیده شود و از آن‌ها تقدیری صورت بگیرد، بسیار هم خوشحال کننده است.

چشم‌انداز شما برای اکران عمومی چیست؟ برای شروع اکران عمومی زمان خاصی را مدنظر دارید؟

احتمال دارد بخواهیم در جشنواره‌های خارجی شرکت کنیم که خوب با این اوصاف و با توجه به اینکه بعضی جشنواره‌ها جزء شرایطشان اکران نشدن فیلم است، نمی‌تولیم الان برای اکران عمومی زمان دقیقی را مشخص کنیم، البته برای این مسئله هم هنوز تصمیم قطعی گرفته نشده و باید دید بعد از جشنواره‌ها چاهمان جدید اثر به چه جمع‌بندی خواهیم رسید. در مورد چشم‌انداز هم باید بگویم، شرایط سینما در حال حاضر شرایط مناسبی نیست؛ اقبال عمومی از فضای سینما بسیار پایین آمده است، اکثر مردم درگیر عادت به استفاده از فضای پلتفرمی و نمایش خانگی شده‌اند و بازگرداندن آن‌ها به سینما کار بسیار سختی است. با توجه به این اوضاع واقعاً نمی‌شود هیچ حدسی درباره اکران زد. اما من دوست دارم این کار توسط جامعه مخاطبش که خانواده‌ها هستند دیده شود.

اثر شما بازار بین‌المللی هم خواهد داشت؟

با توجه به سبوق بازار بین‌المللی فیلم‌های ایرانی، فکر می‌کنم که اثر ما در این فضا حرفی برای گفتن داشته باشد، خیلی از دوستانی که در این فضا کار کرده بودند، برای موفقیت فیلم ابراز امیدواری کردند.

با یک خواجه پاشا:

امیدوارم در تمامی بخش‌ها دیده شوید

با یک خواجه پاشا متولد ۱۳۶۰ است، او در فیلم «خورشید»، «فقر شیرین»، «تومی مانی» و سریال‌های «سنه‌خاطر»، «نورشا

شیرین»، «عاشورا» به عنوان بازیگر حضور داشته و در سریال‌های «بهانه‌ای برای بودن»، «تورشیا شیرین» و «سنه‌خاطر» که همگی محصول صدا و سیما شبکه استلی آذربایجان غربی بوده، کارگردانی کرده است. او همچنین دستیار کارگردان فیلم «محمد» به کارگردانی مجید مجیدی بوده است.

دغدغه ساخت این اثر از کجا آمد و چطور شکل گرفت؟

من در فضایی بزرگ شدم که کاملاً حلت هنری داشت و از سوی پدر و مادرم به سمت سینما و تئاتر راهنمایی شده بودم. من در کارهای بسیاری حضور داشتم و به دلیل تجربه‌هایی که در سینما و تئاتر داشتم تصمیم گرفتم به کارگردانی بپردازم. از سال‌های پیش دغدغه‌هایی داشتم و باور داشتم که مبحث معرفتی در سینمای ایران کم‌رنگ شده و سعی کردم به آن بپردازم. به مباحثی مانند فقدان و نعمت رسیدم و مفهوم آن‌ها را دریافت کردم. از نظر من زمانی که انسان قدر داشته‌هایش را بداند بیشتر و بهتر می‌تواند با